

حدیث شریف کساء

بخط ابوالحسن مظہر

نگارش آسان

حدیث شریفِ کساء

[بِسْنَدِ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ]

صاحب عوالم به سند خود نقل نموده از جابر بن عبدالله انصاری

عَنْ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ

و او از فاطمه زهرا درود بر او باد

بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ

دختر رسول خدا

۴
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

که درود خدا بر او و آلش باد

قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ:

که گفت شنیدم از فاطمه زهرا که آن مخدره فرمود

دَخَلَ عَلَىٰ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ

داخل شد به منزل من پدر بزرگوارم رسول خدا در بعضی از روزها

فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ.

* پس فرمود سلام بر تو باد ای فاطمه *

فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ ❁

پس عرض کردم درود بر تو باد *

قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا ❁

فرمود می‌یابم در بدن خود ضعفی را *

فَقُلْتُ لَهُ وَ

پس به او گفتم

أَعِيذُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ

پناه می‌برم تو را به خداوند ای پدر از ضعف و ناتوانی *

فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ اِيتِيْنِي

پس فرمود ای فاطمه بیاور

بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي وَغَطِّينِي بِهِ

کساء یمانی را و بپوشان مرا به آن *

۹
فَاتَيْتُهُ وَبِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي

فاطمه فرمود پس آوردم کساء یمانی را

فَعَطَيْتُهُ وَبِهِ * وَصِرْتُ أَنْظُرَ إِلَيْهِ *
و پوشانیدم او را با آن * و نظر کردم به او *

وَإِذَا وَجَّهَهُ وَيَتَلَّوْ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ

دیدم که صورتش می درخشد مانند ماه تمام

فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ

در شب چهارده که بدر است *

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً

نگذشت مگر اندکی

وَإِذَا بِوَلَدِي أَحْسَنِ قَدْ أَقْبَلَ

که ناگاه فرزندم حسن درآمد و بر من سلام کرد *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ 

و گفت ای مادر سلام و درود بر تو *

فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي

پس جواب داده و گفتم سلام بر تو باد ای روشنی دیده من

۱۳
و ثَمَرَةٌ فُؤَادِي * فَقَالَ يَا أُمَاهُ إِنِّي أَشَمُّ

و میوه دل من * پس گفت ای مادر من بوی خوشی

عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ *

نزد تو استشمام می‌کنم *

كَانَهَا رَائِحَةً جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

گوئیا بوی جدم رسول خدا باشد *

فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ

گفتم بلی به درستی که جدت در زیر کساء است *

فَاقْبِلْ الْحُسْنَ نَحْوَ الْكِسَاءِ ❁

پس حسن نزد کساء آمد *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ

گفت سلام بر تو باد ای جد بزرگوار

يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ

ای رسول پروردگار * آیا به من رخصت می فرمائی که داخل شوم

مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ *

با شما در زیر کساء؟ *

فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي

پس فرمود بر تو باد سلام ای فرزندم

وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي * قَدْ أَذِنْتُ لَكَ *

و ای صاحب حوض من * به تحقیق اذن دادم تو را *

فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ ❁

پس داخل شد با آن حضرت و خدمت آن جناب در زیر کساء *

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً

پس نگذشت مگر زمانی

وَإِذَا بُولَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ

ناگاه داخل شد فرزندم حسین *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ

و گفت سلام بر تو ای مادر *

فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي

پس گفتم و سلام بر تو باد ای پسر

وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي * 

و ای روشنی دیده‌ام و ای میوه دل * 

فَقَالَ لِي يَا أُمًّاهُ إِنِّي أَسْمُ عِنْدَكَ

پس به من گفت ای مادر به درستی که من در پیش تو

رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ

بوی خوبی استشمام می‌کنم *

كَانَهَا رَائِحَةً جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

گوئی آن بوی جدم رسول خدا است *

فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ

پس گفتم آری به درستی که جدت

وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ ❁

و برادرت در زیر کساء می باشند *

فَدَنَى الْحُسَيْنِ نَحْوَ الْكِسَاءِ ❁

پس حسین جانب کساء نزدیک آمد *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ

و گفت سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ

سلام بر تو باد ای کسی که خداوند او را اختیار فرموده *

أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ

آیا به من رخصت می‌فرمائی که با شما دو تن

تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

در زیر کساء باشم؟ *

فَقَالَ وَ عَلِيًّا السَّلَامُ يَا وَلَدِي

پس فرمود و بر تو باد سلام ای فرزندم

وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي

و ای شفاعت کننده امت من *

قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُمَا

به درستی و به تحقیق اذنت دادم پس با آنان

تَحْتَ الْكِسَاءِ

داخل در زیر کساء گردید *

فَاقْبَلْ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو حُسَيْنٍ

پس در این حال ابوالحسن

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

علی بن ابی طالب روی آورد *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

و گفت سلام بر تو باد

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ

ای دختر رسول خدا *

فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ

پس گفتم و سلام بر تو باد

يَا أَبَا الْحُسَيْنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

ای ابا الحسن و ای امیرالمؤمنین *

فَقَالَ يَا فَاطِمَةَ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ

پس فرمود ای فاطمه به درستی که من پیش تو

رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ

بوی خوشی استشمام می‌کنم *

كَانَهَا رَائِحَةً أَحَبِّي

گوئیا آن بوی برادرم

وَإِبْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ

و پسر عمم رسول خداست *

فَقُلْتُ نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ

پس گفتم آری آن است او با دو فرزندت

تَحْتَ الْكِسَاءِ

در زیر کساء *

فَاقْبِلْ عَلَيَّ نَحْوَ الْكِسَاءِ ❁

پس رو کرد علی جانب کساء *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ❁

و عرض کرد که سلام بر تو باد ای رسول خدا *

أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ

آیا به من رخصت می فرمائی که با شما

تَحْتَ الْكِسَاءِ؟



در زیر کساء باشم؟ *

قَالَ لَهُ **و** وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي

به او فرمود و سلام بر تو باد ای برادر

يَا وَصِيِّي **و** وَخَلِيفَتِي **و** صَاحِبِ لِي وَايِي 

و ای وصی من و جانشین من و صاحب لوی من *

قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

به تحقیق اذنت دادم

فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ

پس داخل گردید علی در زیر کساء *

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ 

پس من نزد کساء آمده *

وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ

و گفتم سلام بر تو باد ای پدر جان

يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَتَأْذَنُ لِي

ای رسول خدا * آیا به من رخصت می فرمائی

أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ *

که با شما در زیر کساء باشم؟ *

۴۰
قَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي

فرمود و سلام بر تو باد ای دخترم

وَيَا بَضْعَتِي * قَدْ أَذِنْتُ لَكَ *

و ای پاره تنم * به تحقیق اذنت دادم *

فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ ❁

پس داخل در زیر کساء گردیدم *

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ ❁

پس زمانی که جمع ما در زیر کساء کامل شد *



أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرَفِي الْكِسَاءِ

گرفت پدرم رسول خدا دو طرف کساء را *

وَأَوْمَىٰ بِيَدِهِ الْيُمْنَىٰ إِلَى السَّمَاءِ

و اشاره کرد به دست راست خود به سوی آسمان *

وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي

و گفت خداوندا به درستی که اینها اهل بیت من

و خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي * حَمَّهُمْ حَمِي *
 * و خواص من می باشند * گوشت ایشان گوشت من *

وَدَمُهُمْ دَمِي * يُوَلِّمَنِي مَا يُوَلِّمُهُمْ *

و خونشان خون من است * اذیت می نماید مرا آنچه اذیت می کند آنها را *

وَيَجْزِنَنِي مَا يَجْزِنُهُمْ *

و غمگین می کند مرا آنچه غمگین می کند آنها را *

أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبَهُمْ

من طرفم با هر که طرف است با آنها *

وَسِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ

و صلحم با هر که صلح است با آنها *

وَعَدُوٍّ لِّمَنْ عَادَاهُمْ

و دشمنم با هر که دشمن است با آنها *

و مُحِبٍّ لِّمَنْ أَحَبَّهُمْ

و دوستم با هر که دوستی کند با آنها *

إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ * فَاجْعَلْ

آنها از من و من از آنهایم * پس قرار ده

صَلَّوْا تِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ *

صلوات و برکات و رحمت خودت *

وَ غُفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيَّ

و آمرزشت و رضای خود را بر من

وَ عَلَيْهِمُ * وَ أَذْهَبُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ *

و بر آنها * و زایل گردان از آنها پلیدی را *

وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا



و پاک گردان آنها را پاکی بزرگی *

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مَلَأَيْكُنِي

پس خداوند عز و جل فرمود ای ملائکه من

۵۰
وَيَا سَكَّانَ سَمَاوَاتِي * إِنِّي مَا خَلَقْتُ

و ای سکان آسمانهای من * به درستی که من خلق نکردم

سَمَاءً مَبْنِيَّةً * وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً *

آسمان بنا شده را * و نه زمین کشیده شده را *

وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا



و نه ماه روشنی دهنده را *

وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً



و نه خورشید درخشنده را *

وَلَا فَلَكَآ يَدُورُ * وَلَا بَجْرًا يَجْرِي *
 * وَلَا فَلَكَآ يَدُورُ * وَلَا بَجْرًا يَجْرِي *

و نه فلک دور زننده را * و نه دریای جاری *

وَلَا فُلُكًا يَسْرِي *
 * وَلَا فُلُكًا يَسْرِي *

و نه کشتی سیر کننده را *

إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِأَيِّ الْخُمْسَةِ الَّذِينَ

مگر به جهت دوستی این پنج تن

هُم تَحْتَ الْكِسَاءِ ❁

که در زیر کساء آسوده‌اند *

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ

پس جبرئیل امین عرض کرد ای پروردگار من

وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

ایشان که در زیر کساینده کیستند؟ *

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِیِّهِ

پس خدای عز و جل فرمود ایشان اهل بیت پیغمبر *

وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ

و معدن رسالتند *

هُم فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا

ایشانند فاطمه و پدر او و شوهر او و فرزندان او

فَقَالَ جَبْرَائِيلُ يَا رَبِّ

* پس جبرئیل عرض کرد ای پروردگار من *

أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ

آیا اذن می دهی مرا که به سوی زمین فرود آیم

لَا أَكُونُ مَعَهُمْ سَادِسًا؟

تا آنکه ششم آنها باشم؟ *

فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

پس فرمود خداوند آری به تحقیق اذن دادم تو را *

فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ

پس جبرئیل امین فرود آمده *

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

سلام داد به پیغمبر (ص) و عرض کرد *

الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ

خدای علی اعلی سلامت می‌رساند *

وَيَخْصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ

و مخصوص می گرداند تو را به تحیت و اکرام *

وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي

و می فرماید به شما که سوگند به عزت و جلالم

إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَةً

به درستی که من خلق نکردم آسمان بنا شده را *

وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَةً

و نه زمین کشیده شده را *

وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا ❁

و نه ماه نور بخشنده *

وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً ❁ وَلَا فَلَكَآ يَدُورًا ❁

و نه خورشید روشنی دهنده * و نه فلک دور زننده *

وَلَا تَجْرًا يَجْرِي * وَلَا فُلْكَامًا يَسْرِي *
 * و نه دریای روان * و نه کشتی سیار را *

إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ *
 * مگر برای خاطر شما و دوستی شما *

وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ

و به تحقیق اذن داد مرا که داخل شوم با شما در زیر کساء *

فَهَلْ تَأْذِنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

پس اذن می دهی مرا ای رسول خدا؟ *

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ

پس فرمود رسول خدا و بر تو باد سلام

يَا أَمِينَ وَحْيِ اللَّهِ ﷻ

ای امین وحی خدا *

إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

به درستی که چنین است به تحقیق اذن دادم تو را *

فَدَخَلَ جَبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ

پس داخل شد جبرئیل با ما در زیر کساء *

فَقَالَ لِأَبِي إِنْ أَلَّهِ اللهُ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ

پس عرض کرد به پدرم به درستی که خداوند وحی فرستاد به شما

يَقُولُ: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ

می فرماید: این است جز این نیست اراده فرمود خدا

عَنْكُمْ الرَّجْسِ أَهْلَ الْبَيْتِ

برطرف فرماید از شما اهل بیت پلیدی را *

وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا

و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی *

فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي

پس عرض کرد امیرالمؤمنین (ع)

يَا رَسُولَ اللَّهِ

به پدرم ای رسول خدا *

أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسِنَا هَذَا

خبر ده مرا که چه فضیلت و شرافت است

تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟

در بودن ما زیر کساء از فضل نزد خدای تعالی *



فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا

پس فرمود پیغمبر (ص) قسم به آن خدائی که مرا به حق پیامبری برانگیخت *

وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا

و مرا به رسالت و منجی بشریت برگزید *

مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ

ذکر نمی شود این خبر ما در مجلسی

مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ

از مجالس روی زمین *



وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا

که در آن جمعی از شیعیان و دوستان ما باشند *

إِلَّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ

مگر آنکه نازل می شود بر آنها رحمت

وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ

و احاطه نماید ملائکه اطراف آنها را *

وَاسْتَغْفَرْتُ لَهُمْ إِلَىٰ أَنْ يَتَفَرَّقُوا

و طلب آمرزش کنند برای ایشان تا زمانی که متفرق گردند *

فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا

پس گفت علی (ع) در این هنگام سوگند به خدا که ما رستگار شدیم

وَفَازَ شِيعَتُنَا وَرَبِّ الْكَعْبَةِ

و رستگار شدند شیعیان ما به پروردگار کعبه *

فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا يَا عَلِيُّ

پس فرمود پیغمبر (ص) ای علی

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا

قسم به آن خدائی که مرا به حق پیغمبری برانگیخت *

وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا



و مرا به رسالت و منجی بشریت برگزید *

مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا

ذکر نمی شود این خبر ما در مجلسی

فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ

از مجالس اهل زمین *

وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا

و در آن بوده باشند جمعی از شیعیان و محبان ما *

وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ 


و در میان ایشان صاحب همّ و غمّی بوده باشد *

وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ 

مگر آنکه خداوند متعال همّ و غمّ او را بر طرف گرداند *

وَلَا ظَالِمٌ حَاجَةٌ إِلَّا

و نه صاحب حاجتی مگر آنکه

وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ  و

خداوند حاجت او را برآورده گرداند *



فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَ سَعِدْنَا

پس گفت علی (ع) در این هنگام قسم به خدا رستگار شدیم و سعادت یافتیم *

وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا

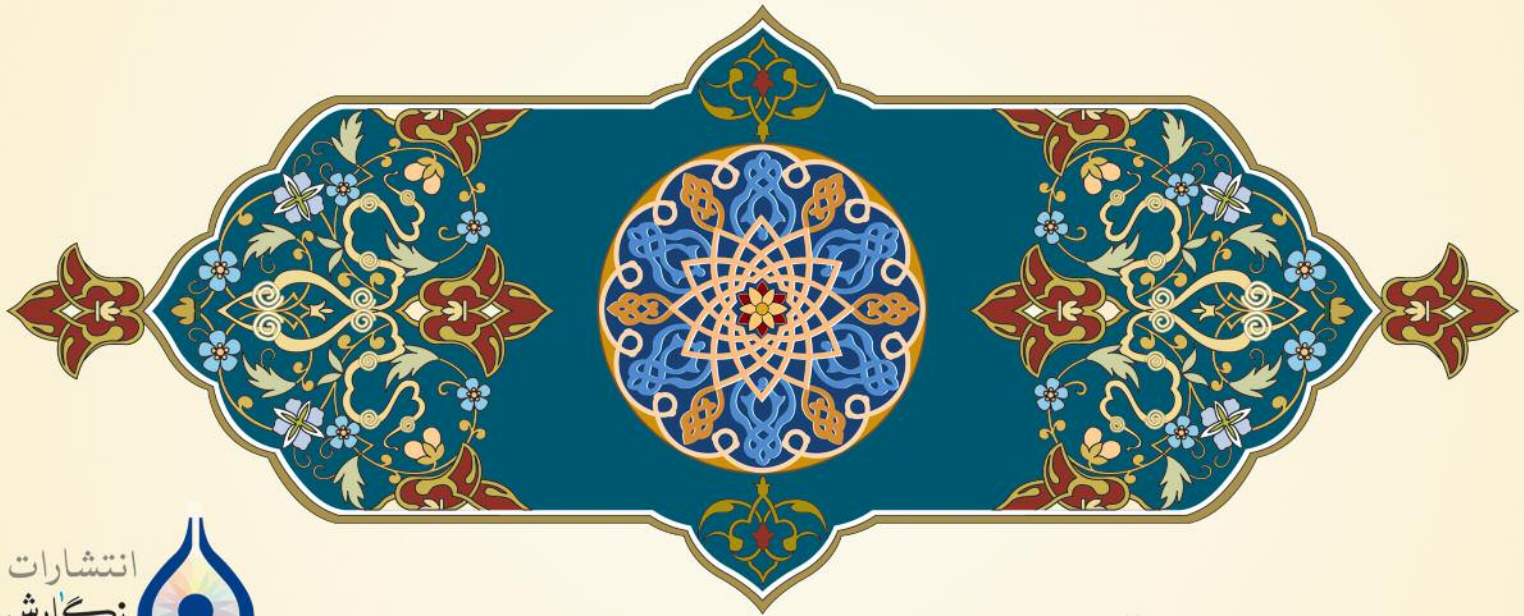
و همچنین رستگار شدند

وَسَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و سعادت یافتند شیعیان ما در دنیا و آخرت *

وَرَبِّ الْكَعْبَةِ

قسم به پروردگار کعبه. *



برای دریافت جدیدترین آثار به کانال: t.me/negarahasanpub مراجعه کنید.